بود که گشت و خواهشند کار از راه راست بیکنند وَمَا تَعْمَلُونَ و گمراه میسازند و نمی فهمند یا ملک میگردانند لِمَ تَصُدُّونَ
کو نفس شما خود را چه و بال ضلال ایشان عاید است یا بقصد اغوای غیر خود را مستحق عقوبت میکردانند و نفس خود را در اجر
هدایت بدی می ضلالت می افکنند وَمَا تَشْعُرُونَ و نمیدانند که آن زیان بخود میرسانند یا گاه میشد که خدای طلب هدایت
بر اسرار ایشان و نیت ایشان و ایشان عمل خواهد کرد یَا أَهْلَ الْكِتَابِ ای گروه یهود و ترسا لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ چرا کافر
میشوید بقرآن یا بیان نعت محمد که در توریة و انجیل خواهد آمده یا بگفته ابراهیم حنیف و مسلم بود یا بانکه در هر دو کتاب هست
که الدین هو الاسلام وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ و حال آنکه شما گواهی میدهید و میدانید که توریة و انجیل حقست و لعنت او در هر دو کتاب هست
یا او را شهادت میکنید و لها خود در حقیقت قرآن و نزد عوام انکار مینمایید و گفته اند چرا کافر میشوید بمعجزات که حضرت
رسالت صلوات الله علیه مینماید و شما مشاهده میکنید و معاینه می بینید یَا أَهْلَ الْكِتَابِ ای یهود لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ
چرا می آمیزید راستی بکجی و نادرستی و توریة را که منزل من عند الله است با نچه خود ساخته و نوشته اید یا ایه السلام بیهوده
یا تصدیق اکثر آیات توریت را بتکذیب بعضی از آن که وصف پیغمبر آخر الزمانست یا از آری که قبل از بعثت بحضرت پیغمبر صلوات الله
در شنید با نکاری که بعد از آن دارید یا ایمانی را که بموسی دارید بکفری که شما را بمحمد هست ای عزیز پس یهود و پیکی از سر خود
بتحریف حق تا در صورت باطل زمانید و زر بین باطل در صورت حق جلوه دهند یا خلط حق و باطل بهم تا بر مردم مشتبه شود و یکی
از دیگری تمیز نکند پس حق تعالی فرمود که چرا پس میکنید وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ و چرا میپوشید سخن راست را که وصف حضرت
مصطفی است صلی الله علیه و آله پس آن چه آن گفته اند که وی از کتمان اقبح است زیرا که کتمان عبارتست از اخفاء حق و در تلبیس
با وجود کتمان حق تقریر باطل نیز هست وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ و حال آنکه شما میدانید که آن را می پوشید و در اخفاء آن میکوشید
پوشیدن خود را میشناسید که از روی عناد و حسد است یا معلوم دارید که عقوبت این عمل بغایت سخت باشد یا میدانید که آن
حق ممکن نیست بمثابتی که طفل چشم آفتاب حقیقت مخفی نخواهد شد و نفس سرد شما چرا می کیرا فروخته اید عنایت الهی است مصطفی
نخواهد گشت یُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ بیت لشکر را که جهان کیرد شمع خورشید کی زفیر دم کی
جهد ایشان که بدان میخواهند تا ضعفاء اهل اسلام در محنت دین متزلزل و سازند چنان میکنند و صورت این عمل چنان
بود که دوازده تن از یهود خیبر عزیمت اتفاق کردند و از راه عهد و میثاق موکد و مؤکد کردانیدند که اول روز بدین محمد نبوت
صید در آیند فلما که تعقد را عمل بزبان موافقتی باشد و با خود و پنهان ظاهر کنند که ما در کتاب خویش تامل تمام کرده ایم و با علماء و احبار
مباحثه بسیار و میان آورده ایم بطلان دین و آیین شما را و روشن شد و نشانهای موعود دین پیغمبر شما موجود و صفت
یکی کرد این حیلی بعضی از اصحاب در شک و تردد افتند و گویند اینکه اهل کتاب میخواهند که اهل کتاب میخواهند که اهل کتاب
دو وجود دانش و دانائی که ایشان راست با نچه حق باشد نخواهند نعمت پس از طریق تصدیق می تحریف شده و بدین
و قول بعضی آنست که چون قبله از بیت المقدس بکعبه گردانیدند بر کعب بن الاشرف که قبله اهل ضلالت بود و دشوار آمد

آن خود چون مالک بن الصیف و فنحاص بن عازورا و امثال ایشان متوکر گردید و با محمد صلی الله علیه و آله و گیر مناز گشتند
و بدان قبول آوردند و این حکم را تصدیق نمایند و آخر روزی کار از دست در روی بخیبر و بر کوه شوشت تا احباب خود را خبر
کردند و بر خیبر مضطرب گردند و با خود تامل نمودند و گویند اینان اعلم و اولی اند از علوم و اهل اند از حقیقت قبله ایشان شبهه نبود و
شاید که بدین کان روی از قبله قرآن و کعبه ایمان بگردانند خبر صادق بود از نیست آن فاسق نماز اگاه گردانید و زمره
وَقَالَتْ طَائِفَةٌ و گفتند گروهی مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ از یهود که دوازده تن اند بقول ذال کعب اشرف و قول ثانی که گفت تا ایمان
خود را آمِنُوا ایمان آرید یعنی بزبان اقرار کنید بِالَّذِي بآنچه چیزی که در باب قبله و غیر آن أُنْزِلَ فرود فرستاده شده
است عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا بر کسانی که گرویده اند بمحمد یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم وَجْهَ النَّهَارِ در اول روز یعنی در صدر ایمان
آرید و وجه هر چیزی اشرف اوست و بقول دوم مراد صلوة صبحست وَاكْفُرُوا و کافر شوید و انکار کنید آخِرَهُ در آخر روز
که خبر از اول روز بدان اقرار کرده اید لَعَلَّهُمْ شاید که مؤمنان بر سبیل انکار شما بعد از اقرار يَرْجِعُونَ باز کردند از تصدیق
دین خود و عمل شما را بر حقانیت حمل کنند وَلَا تُؤْمِنُوا و تصدیق مکنید تتمه قول یهود است که طریق دهشت با یکدیگر میگفتند
با جهودان خیبر می بود و مدینه را نهی میکردند که استوار دارید خاصه در اول قبله إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ مگر کسی را که پیروی کند دین شما
که یهودیت است یعنی پیغمبری که ایمان میارید مگر بکسی که بشریعت شما قیام نماید و بقبله شما نماز کند قُلْ بگوی ای محمد از
إِنَّ الْهُدَى بدرستی که دین حق هُدَى اللَّهِ دین خداست این جمله معترضه است بیان قول یهود و مراد قول ثانی است یعنی
سخنی باطل گفتند خدای تعالی پیغمبر خود را فرمود تا در مقابله ایشان این سخن حق بگوید پس تتمه کلام یهود بیان میکند که چگونه
سبکشد تصدیق مکنید جز هم دینان خود را و باور مدارید أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ اگر داده باشند یکی را مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ مانند آنچه
شما را داده اند از علم و فضل و حکمت و کرامت أَوْ يُحَاجُّوكُمْ و این را نیز تصدیق مینماید که مسلمانان با شما مخاصمت کنند
عِنْدَ رَبِّكُمْ نزدیک پروردگار شما زیرا که دین شما حجت حجت شما اقوی و اوضح و بینا از علما را نداند که حجت حق تعالی
خداست و تابع این مقوله که إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ مؤمنان را هر چه بگوید که یهود و مکر کنند اصابت اهل این خود میشود یا نه و کمان هر چه دین که
ایشان کافرند مرا مناسبت شما باد و گویند که پیغمبر اصل آن دینی داده اند و تصدیق کنند که یهود را بر شما حجت باشد
روز قیامت بعضی مفسران محققان تمام آیه را خطاب با این امت دارند از یک روی با عامه مؤمنان و از یک جهت با خاص
اهل ایمان و چه اول آنست وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ یعنی با مشرکان مسلمین جز با مؤمنان و هم کیشان خود و پیستی مورید و از
بیگانگان و دیگر دینان کناره گزینید و کسانی که مبرید که کسی آن دهند که شما را داده اند کلی بیان این اصلست مشکل تا با حجت
آن از زمین سهل نعمت مصطفی است صلی الله علیه و آله و سلم و دلت شما و میدان صاحبت را برانداخته اند تا این قبله کعبه منظور است آن دو بیت
عبارت شما ساخته اند از بهترین روز ما و نیز است آنرا بشما اختصاص داده اند خیر بهترین ماه ما و مضافست در ابواب فتح شما
بر شرح شرح شما تم فتح یافته صد عقده ما بعقد شما است فتح پذیرفته آیة الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رکال نعمت

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)